

محتشم کاشانی و پیوند دین با سیاست و اجتماع

زینب باغبانزاده آرانی^(۱)

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور مرکز آران و بیدگل

*نویسنده مسئول

پست الکترونیک: z.baghbanzadeh@gmail.com

چکیده پژوهش

ادبیات اقیانوس بی کرانی است که می‌توان در دل آن گهرهای نفیسی صید کرد. که محتشم کاشانی یکی از ناب‌ترین این گهرها است که تا به حال در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی که اصلی‌ترین جایگاهش در همان عرصه دینی و مذهبی است مورد بررسی قرار نگرفته و ناشناخته مانده است. در حال حاضر با بیان مختصری از زندگی و اوضاع اجتماعی سیاسی و مذهبی زمانش می‌توانیم وی را به دیگران شناسانده و همچنین با بیان شعر عاشورایی وی «بازین چه شورش است که در خلق عالم است / بازین چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است» چهره مذهبی ایشان را به مردم نمایانده و این مطلب را که زمانه‌ی ایشان دوره‌ی پیوند دین با سیاست و اجتماع است را یاد آوری کرد. و نامیده شدن وی را، به عنوان پدر مرثیه سرایی ایران، بحق شایسته ایشان دانست. البته ایشان شخصیتی دارند که با دوازده بند عاشورایی خود، خود را به مردم اثبات کرده‌اند و در حال حاضر با نقش این ابیات بر تارک همه اماکن مذهبی جلوه نمایی می‌نماید.

کلید واژگان: محتشم کاشانی، شعر، دین، سیاست، اجتماع.

مقدمه

از جمله گوهرهایی که برای همگان نا شناخته و مهجور مانده است دیوان محتشم کاشانی است که کمتر مورد توجه محققان بوده و کسانی که کمتر آشنایی با اسم ایشان دارند به واسطه دوازده بند معروف عاشورایی اوست که خود بیانگر پیوند اجتماعی و سیاسی مردم آن زمان از جهت شعر و شاعری با دین است.

کمال الدین علی محتشم کاشانی دارای لقب شمس الشعرا کاشانی شاعر ایرانی در آغاز سده ده هجری و هم دوره با پادشاهی شاه طهماسب صفوی (۹۳۵ ه.ق) در کاشان زاده شد، بیشتر دوران زندگی خود را در این شهر گذراند شغل اصلی محتشم در دوران جوانی بزاز و شعربافی بود. پدرش خواجه میراحمد از خاندان متمکن کاشان بود. کمال الدین در نوجوانی به مطالعه علوم دینی و ادبی معمول زمان خود پرداخت و پس از مدتی از کار خود دست کشید و شاعری را شغل خود ساخت و در این فن شاگرد مولانا صدقی استرآبادی بود و اشعار شعری قدیمی ایران را به دقت مورد بررسی قرارداد. شعرهای او درباره رنج و درد امامان شیعه است.

شرح حالی مختصر

محتشم با شاعران معاصر خویش حیرتی تونی، حالی گیلانی، مجاهد الدین خوانساری، میزا سلمان جابری، ضمیری اصفهانی و وحشی بافقی رابطه داشته و با آنان مشاعره و مکاتبه می کرده است. وی پس از ازدواج با همسرش بیش از یک سال زندگی نکرد و به سبب اینکه فرزندی از همسرش پیدا نکرد از هم جدا شدند و تا آخر عمر دیگر متأهل نگردید. وی در ضمن اشعار خود به این موضوع اشاره می کند:

متأهل شدن من چو قیاسی است عقیم
که آن عقم بود در تنشق غیب انتاج
(هفت دیوان، ص ۴۳۵)

او برادرزاده‌ای داشته که برایش بسیار محترم و عزیز بوده و از او به عنوان قره العین یاد کرده است.

قره العین من آن اختر برج اخوی
هم نیامد که سراجم شود از وی وهاج
(هفت دیوان، ص ۴۳۵)

با توجه به بررسی محقق در دیوان محتشم وی بیش از ده مورد به ابتر بودن خو و نداشتن فرزند اشاره می کند. وی در سال های پایانی عمر دچار بیماری دردناک و طولانی بوده و مدت درازی زمین گیر شده است. دو سفر به اصفهان و شیراز داشته است البته آرزوی سفر به هند را در سر داشته که هیچگاه عملی نشده است. (نوایی، ۱۳۸۰: ۱۲) او قصاید و مدایحش را هر ساله به وسیله‌ی برادرش عبد الغنی به دربار هند ارسال می کرده است. (پرتو بیضایی، ۱۳۱۶: ۴۶۶) از جمله مواردی که محتشم در اشعارش به صورت مکرر ذکر کرده فقر و تنگدستی است. همانطور که خودش گفته در پیشه‌اش دچار کم و کسر مالی شده و ورشکست کرده است.

وام چون از حد گذشت و راه سودا بسته شد
برشکستم من وزین درهم شکست آن کار و بار
(هفت دیوان، ص ۶۵۶)

علت مفلسی وی کنار گذاشتن حرفه‌اش و پرداختن به شاعری است.

غلام بی بدلت محتشم که از افلاس

کنون تخلص او مفلسی است در دیوان

(هفت دیوان، ص ۵۹۶)

محتشم از پیروان مکتب وقوع و از مهمترین شاعران مرثیه سرای شیعه است. ترکیببند «باز این چه شورش است که در خلق عالم است» معروف ترین مرثیه برای کشتگان واقعه کربلا در ادبیات فارسی است.

اوضاع سیاسی و اجتماعی و دینی و علمی و ادبی در عصر محتشم

اوضاع سیاسی آن زمان که با فراز و نشیب های فراوان همراه است با حکومت، جنگاوری و پیروزی مردانی مانند شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی و شاه تهماسب از جهات مختلف قابل توجه است.

بی تردید با رسمیت یافتن تشیع در این عصر و با اهتمام شاهان صفوی در این دوره وحدت ملی احیا شد و از نظر نظام اداری منظم که با تدبیر شاه اسماعیل و شاه عباس بزرگ ایجاد شده بود یکی از دوره های درخشان تاریخ ایران به حساب می آید. (هدایت، ۱۳۸۰: ۶۳۹) مطابق عقیده ذبیح اله صفا در کتاب تاریخ ادبیات ایران این دوره پر از ملایم و نا ملایم، زشت و زیبا و نیک و بد است که آمیزش دین و سیاست به صورت یک ماموریت مقدس دینی و الهی مشخصه ی بارز آن می باشد. (صفا، ۱۳۷۱: ۹) پس از مرگ ناگهانی شاه اسماعیل و جانشینی شاه تهماسب به جای وی یکی از رویدادهای مهم در این دوره پناه آوردن همایون پادشاه هند به ایران است که سفر او به ایران باعث تجدید رابطه ی خاندان تیموری با ایران و فرهنگ ایرانی و حفظ ادامه دوستی میان جانشینان شاه اسماعیل و بازماندگان ظهیرالدین بابر در هند گردید. (هدایت، ۱۳۸۰: ۶۴۳) همایون پس از مدتی اقامت در ایران و آشنایی با اهل شعر و ادب و هنر جمعی از آنان را به هند برد و این امر موجب گسترش ادب و هنر ایرانی در هند شد.

سرانجام دولت صفوی که با قوت و اقتدار شاه اسماعیل و شاه عباس کبیر آوازه ی عظمت ایران را تا سرزمین های دوردست رسانیده بود با اختلاف و دو دستگی و طمع ورزی و سرکشی و طغیان امیران و دولتیان از یک طرف و خودکامگی و عیاشی و فساد و راحت طلبی و بی کفایتی شاهزادگان و جانشینان آنان در ورطه سقوط و تباهی افتاد. (صفا، ۱۳۷۱: ۳۳) دوره پادشاهی گورکانیان هند طبق گفته های پیشین، دوره اعتلای نفوذ فرهنگ ایرانی و رواج بی چون و چرای زبان فارسی در سراسر شبه قاره هند بود به نحوی که دیگر زبان و شعر پارسی اختصاص به ایرانیان نداشت بلکه بسیاری از هندوان مسلمان و نا مسلمان و یا بازماندگان ایرانیان از دوره های قبل در هند در شمار سخنوران نامبردار به زبان فارسی درآمدند که از آن جمله می توان به فیض فیاضی و فانی کشمیری و غنی اشاره کرد. (همان، ۴۸) یکی از والاترین ارزش های تاریخی دوره صفویان تجدید وحدت سیاسی و ملی و مذهبی ایرانیان است که در آن کشور ایران به صورت یک سرزمین مستقل در محدوده ی جغرافیایی و فرهنگی و با مرزهای ویژه ی آن در دوران های استقلال خود درآمد و از دیگر کشورهای اسلامی به طور قطع متمایز و مشخص گردید که یکی از عوامل اساسی در ایجاد وحدت و تمرکز سیاسی و گرایش ملت ایران به تشیع و دوری روز افزون از مذاهب اهل سنت است. (همان، ۶۵)

از لحاظ مذهبی و دینی دوران صفوی عصر غلبه و رواج قطعی مذهب شیعه اثنی اشری می باشد. هنگام قیام شاه اسماعیل دین رسمی اسلام به روش اهل تسنن بود و از گروه شیعیان عمده ای در مراکز دیرین خود مانند شمال ایران، مشهد، سبزوار، ری، قم و کاشان متمرکز بودند. شاه اسماعیل تصمیم قاطع به رسمی کردن تشیع گرفت و طبق قول نویسنده ی حبیب السیر فرمان داد تا خطبای ممالک آذربایجان خطبه به نام نامی ائمه اثنی عشری (ع) خوانند و مؤذن های مساجد و معابد لفظ «اشهد ان علیاً ولی الله» را داخل کلمات اذان سازند و در نتیجه اجرای این سیاست آوازه ی منقبت امامان شیعه بر سر منبرها بلند شد. از لحاظ ادبی این دوره یکی از بارورترین دوره های تاریخ ادبیات فارسی است که به دلیل توجه و اهمیت این فرمانروایان به زبان و ادبیات فارسی و گسترش آن در قلمرو دولت عثمانی و آسیای مرکزی است. (همان، ۴۲۲) همزمان با رواج تشیع در ایران و احیای دانش های مذهبی و مهاجرت گروهی از عالمان تازی نژاد شیعه به ایران دوره جدیدی از نفوذ فرهنگ تازی در ایران آغاز شد. به طوری که در حوزه های مذهبی شیعه در این عهد زبان اصلی تعلیم و تألیف عربی بوده است. (همان، ۴۳۲) عصر صفوی دوره تعدد سبک ها است و سبک شاعرانی مانند محتشم که در اوایل این دوره می زیسته اند با سبک شاعرانی که در اواخر آن دوره بوده اند یکسان نیست. (همان، ۵۲۲) یکی از

مسایل عجیب و در بادی امر لاینحل زمان صفوی قحط و فقدان شعرای مهم است معماری، نقاشی و سایر صنایع ترقی نموده اگر چه در تحفه‌ی سامی و دیگر تذکره‌ها نام گروه زیادی از شاعران ثبت شده است به دشواری می‌توان یکی از این شاعران را یافت که دارای لیاقت بارز و قریحه‌ی مبتکر باشد. (براون، ۱۳۶۹: ۱۲۴)

بر خلاف نظریه براون، ذبیح اله صفا اظهار داشته‌اند طبیعی است که می‌توان بعضی از ویژگی‌های شعر را چه لفظی و چه معنوی در این دوره با توجه به دسته‌بندی‌هایی که شده در زیل یک عنوان آورد به عنوان مثال دریاره‌ی توجه عمومی شاعران به مضمون آفرینی و باریک اندیشی یا به ارسال مثل در شعر و یا بیان حال و واقعه در عشق و مانده‌های این به طور کلی، اما این‌ها هیچ یک بیان حکم کسی درباره‌ی سبک واحد شعر در این دوره نخواهد بود. (صفا، ۱۳۷۱: ۵۳۰-۵۲۹)

یان ریپکا و همکارانش معتقدند که ادبیات این دوره به کژروی گرایید و جهت گیری ادبیات به سوی شیعه‌گری بوده است که در آن شعرهای ستایشگرانه و غیر مذهبی جای خود را به ستایشگری از امامان شیعه داد و به طور کلی ادبیات ثابت و بدون پیشرفت ماند. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۴۲۵)

زبان فارسی در این دوره از تحول‌ها در امان نبوده است از جمله علل دگرگونی آن این است که بیشتر گویندگان از مردم عادی و از پیشه‌وران و یا بی‌سرمایگان از ادب پارسی بودند و یا اینکه عده‌ای از هین گویندگان در اصل فارسی زبان نبوده‌اند و از دربار ترکان و هندوان برخاسته‌اند. (همان، ۴۳۷) از دید جورج مورس شعر این دوره بنابه عللی حرکتی آگاهانه در جهت نوع ابداع و نوآوری و یا دست کم تحول و تا اندازه‌ای ساده‌گرایی انجام داد و شاعران رویکردی به تجارب زندگی داشته‌اند. (مورس، ۱۳۸۰: ۴۱۹) در این دوره ادب پارسی خاصه شعر به صورت یکی از پایه‌های اصلی کمالات مورد توجه و استقبال بزرگان هند و روم و ایران بوده است و همه‌ی آن‌ها در کار شعر و ادب کوشیده‌اند و با همه‌ی این احوال هند را باید قرارگاه شعر و ادب فارسی در این دوره بدانیم. (صفا، ۱۳۷۱: ۴۴۳)

نام‌آورترین شاعر مدیحه‌سرای شیعه

با بررسی آثار محتشم او را مسلمانی پاک دل و شیعه‌ای صافی نهاد و شاعری معتقد و انسانی متدین می‌بینیم. مدایح و مراثی فراوان و ارزنده‌ی وی در باب ائمه اطهار^(ع) و از جمله ۱۲ بند جانسوز و شیوا و برخاسته از دل او خود گواهی روشن بر اعتقادات و باورهای راستین او نسبت به امامان معصوم^(ع) است و نام‌های مبارک چهارده معصوم^(ع) در دیوان او دیده می‌شود.

وی در جوانی به دربار شاه طهماسب صفوی راه یافت و به مناسبت قصیده و غزل‌های زیبایش مورد لطف شاه قرار گرفت به طوری که قصایدش در مدح شاهزادگان حتی شاه تهماسب بی احساس را هم به تائید واداشت. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۴۳۱) نظر به معتقدات دینی خود و احساسات شیعی دربار صفوی که در صدد تقویت این مذهب بودند به سرایش اشعار مذهبی و مصائب اهل بیت که در نوع خود تازه و بی بدیل بود پرداخت. اشعارش در سرتاسر ایران معروفیت خاصی یافت، به طوری که می‌توان وی را معروف‌ترین شاعر مرثیه‌گوی ایران دانست این شاعر فرهیخته یکی از بهترین منظومه‌های نمایشی را به یادگار گذاشت و با زبان شعر فرهنگ عاشورا را بین مردم به ویژه مداحان اهل بیت رواج داد. (صفا، ۱۳۷۱: ۶۲۴)

محتشم در ساختن ماده تاریخ و مرثیه و منقبت در عهد خود و بعد از آن مشهور بود. دوازده بند معروف وی به قول آذر بیگدلی «در اثر بلاد اسلام بین الخاص و العام مشهور است.» (آتشکده: ۱۲۵) در باب مرثیه سرایی و ترکیب بند معروف محتشم دو تن از بزرگان سده‌ی ششم، یعنی: خاقانی شروانی و حمد ابن سلیمان راوندی صاحب کتاب راحة الصدور در کار او تاثیر فراوانی داشته‌اند. ادوارد براون درباره شعر محتشم می‌نویسد: «شعر محتشم مانند ناصر خسرو از دل بر می‌آید و بر دل می‌نشیند و می‌توان آن را شعری اصیل دانست.» (براون، ۱۳۶۹: ۱۸۲)

تجلی عاشورا در شعر محتشم

محتشم پدر مرثیه سرایی و جگر بند عاشورایی است بی شک محرم با نام محتشم در هم آمیخته است و کتیبه‌های منقش به ترکیب بند معروف او حال و هوای حسینی‌ها و تکیه‌ها را عاشورایی می‌کند. او با هنرمندی خاصی واقعه کربلا را در مقابل دیدگان خواننده مجسم می‌سازد، احساس محبان اهل بیت را بر می‌انگیزد و به قول محدث قمی در هدایه الاحباب گویا آن اشعار از حزن و اندوه نگاشته شده و یا از خاک کربلا سرشته شده است و این اشعار مثل مصیبت حضرت ابا عبدالله به هیچ وجه مندرس نمی‌شود. (قمی، ۱۳۶۳: ۲۵۲) این شعر بیان کننده احساسات عمیقی است که مصیبت فراموش ناشدنی واقعه‌ی کربلا در قلب هر ایرانی و لو نه چندان با ایمان به وجود می‌آورد. (براون، ۱۳۶۹: ۱۸۲)

محتشم در شعر خود محرم را رستاخیز عام می‌اند که قیامت کبرا را در اذهان مجسم می‌کند و سرهای قدسیان را بر زانوی غم می‌بندد و در آن صبح تیره که خورشید از مغرب طلوع کرده، عزای اشرف اولاد آدم (ع) را به بهترین وجه به تصویر می‌کشد. به راستی در ساحل نگاه محتشم کشتی شکست خورده‌ی طوفان کربلا در میان امواج پر تلاطم احساسات محبان اهل بیت (ع) و در دریای خروشان اشک و آه دل‌بستگان نهضت عاشورا دوباره به جریان می‌افتد، چشم روزگار می‌گریزد و فریاد العطش کودکان خیمه‌های حسین(ع) از لابه لای واژگان پر احساس شاعر فرهیخته و فرزانه کاشانی هنوز به عبوق می‌رسد.

آثار محتشم

مجموعه‌ی آثار این شاعر بزرگ عصر صفوی، پس از مرگ او، توسط یکی از شاگردانش در هفت کتاب جمع شد، که مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات، مثنویات، و ترکیب‌بندهای وی می‌باشد. آثار منظوم: صبائیه (کودکی شاعر)، شبائیه (جوانی شاعر)، شبیه (پیری شاعر)، ماده تاریخ‌ها، معنیات و آثار منثور: جلالیه، نقل عشاق، بند آغازین از ترکیب‌بند ویژه و پرهوادار محتشم:

باز این چه شورش است؟ که در خلق عالم است	باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟
باز این چه رستخیز عظیم است؟ کز زمین	بی نفخ صور، خاسته تا عرش اعظم است
این صبح تیره باز دمید از کجا؟ کزو	کار جهان و خلق جهان جمله درهم است
گویا، طلوع می‌کند از مغرب آفتاب	کآشوب در تمامی ذرات عالم است
گر خوانمش قیامت دنیا، بعید نیست	این رستخیز عام، که نامش محرم است
در بارگاه قدس که جای ملال نیست	سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند	گویا، عزای اشرف اولاد آدم است
خورشید آسمان وزمین، نور مشرقین	پرورده‌ کنار رسول خدا، حسین

نظرها درباره محتشم

جابر عناصری در باره محتشم کاشانی می‌گوید: محتشم کاشانی پدر مرثیه‌سرایی عاشورایی است. وی می‌افزاید: این شاعر فرهیخته بهترین منظومه نمایشی به یادگار گذاشت و با زبان شعر فرهنگ عاشورا را در بین مردم به ویژه مداحان اهل بیت رواج داد. عناصری می‌افزاید: شهرت و آوازه بی‌نظیر محتشم کاشانی در ادبیات موجب شد تا شاعران نام‌آوری به پیروی از سبک او اهتمام ورزند، اما تاکنون ادبیات ایران در مرثیه‌سرایی، شاعری همچون محتشم به خود ندیده‌است.

عباس مشفق کاشانی نیز بر این عقیده‌است که پاکی، اعتقاد و استواری و محبت محتشم کاشانی به اهل بیت علیه‌السلام باعث شد که برخی پادشاهان صفوی از جمله شاه طهماسب به اشعار مذهبی روی آورند.

وی می‌افزاید: ترکیب‌بند معروف این شاعر پرآوازهٔ مرثیه‌سرای ایران در رثای حسین و کشته‌شدگان کربلا در بین تشیع و به‌ویژه فارسی‌زبانان زبانزد شد و توجه بسیاری از شاعران را به‌خود جلب کرد.

محتشم کاشانی اشعار و حکایاتی به نظم و نثر در باب شاهدبازی دارد که در رساله جلالیه جمع‌آوری شده و از ۶۴ غزل و شأن نزول هر غزل و شرح اشعار به نثر تشکیل می‌شود. سیروس شمیسا آن را نشانه شاهدبازی او و درباره شاطر جلال معشوق مذکر وی دانسته (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۹۹) اما محمدرضا ترکی معتقد است آن اشعار تخیلی است و محتشم «رساله جلالیه» را همچون «نقل عشاق» که به عشق مرد و زن می‌پردازد، به سفارش متمولان زمانه سروده‌است و حکایت روحیات وی نیست. (ترکی، ۱۳۸۴: ش ۲۷)

محتشم، از شعر و نثر استادان پیشین پیروی کرده و تلاش داشته است تا راه و رسم شاعران سده هشتم را دنبال کند اما کوشش او، بی سرانجام مانده است. بنابراین آنچه در زندگی نامه محتشم کاشانی بیان شده که در آن روزگار فترت ادبی ایران و هم‌روزگاراننش، او را در پایه انوری و خاقانی می‌دیده اند، مبالغه‌ای بیش نیست. (eneshat.com)

نتیجه‌گیری

همانطور که ملاحظه می‌نمایید محتشم شاعری بزرگوار و سخن‌سنجی کامل عیار است و در سرودن انواع شعر ماهر و به‌ویژه در فن قصیده و غزل و تاریخ یگانه‌ی عصر خود بوده و شاهد این مدعا قطعه‌های شیوای تمام تاریخ و غزل‌های دلنشیت اوست اما با توجه به عصر زندگی محتشم دوازده بند مرثیه‌ی معروف او دیگر آثارش را تحت تاثیر قرار داده است.

آنچه از سراسر مقاله دریافت می‌شود این است که زمان محتشم زمان گسترش اشعار مذهبی و پیوند دین با سیاست و اجتماع است به همین جهت دوره صفوی دوره رواج مذهب شیعه و گسترش شعر در این زمینه و بها دادن به این گونه اشعار است چنانکه پادشاهان تمام شاهزادگان را به یادگیری آن ترغیب می‌نمودند و به گسترش هر چه بیشتر مذهب تشیع کمک شایانی نمودند. و همانطور که از صحبت‌های محتشم بر می‌آید محرم با نام محتشم در هم آمیخته است و ترکیب بند معروفش واقعه‌ی کربلا را در مقابل دیدگان مجسم می‌سازد که خود امام حسین و واقعه‌ی عاشورا، نماد تمام نمای پیوند دین با سیاست و اجتماع است که از طریق شعر و ادبش همه را برای مردم بیان می‌دارد.

منابع

- هدایت، صادق، (۱۳۸۰). نوشته‌های پراکنده، گردآورنده حسن قائمیان، تهران. جامه داران.
- <http://www.eneshat.com/iranian/famous/mohtasham-kashani>.
- براون ادوارد، (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه بهرام مقدادی، تهران. مروارید
- بیگدلی، لطفعلی بیگ بن آقا خان، (۱۳۳۶). آتشکده آذر، تصحیح حسن سادات ناصری، تهران. امیر کبیر.
- ترکی، محمدرضا، (۲۰۱۱). رساله جلالیه، دوباره کاری و شتابزدگی در تصحیح «هفت دیوان محتشم کاشانی». نامه فرهنگستان، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۲۷. بازبینی شده در ۰۸ دسامبر ۲۰۱۱.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱). شاهدبازی در ادبیات فارسی، تهران: فردوس.
- ریپکا، یان، (۱۳۷۰). تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران. گوتنبرگ و جاودان خرد.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۱). تاریخ ادبیات ایران، تهران. فردوس.
- محتشم، کمال الدین، (۱۳۸۰). هفت دیوان محتشم کاشانی، گردآورنده علی بن احمد محتشم تصحیح عبدالحسین نوایی - مهدی صدری، تهران. میراث مکتوب.
- موریس، جورج، (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات ایران (از آغاز تا امروز)، ترجمه یعقوب آژند، تهران. گستره.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۸۰). اثر آفرینان: زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران (از آغاز تا سال ۱۳۰۰)، زیر نظر کمال حاج سید جوادی، تهران. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.